

ناملی بر گذر از انجام پژوهش به مدیریت پژوهش به عنوان چرخش تحولی در پژوهشگاه آموزش و پرورش

دکتر عظیم محبی

مقدمه

پژوهش یک کلمه چند وجهی است. بهترین روش یادگیری، بهترین رویکرد تدریس و ارزشیابی، بهترین روش برای ارایه تکالیف درسی، بهترین روش یادگیری تیمی معلمان (درس پژوهی)، بهترین روش بهسازی رفتار دانش آموزان (اقدام پژوهی) بهترین روش برای نظارت و ارزیابی از عملکرد معلمان و مدارس، بهترین روش برای سنجش میزان تحقق اهداف ساحت تربیتی در پایان هریک از دوره های تحصیلی، بهترین روش برای ارزشیابی از برنامه قسط شده. اجرا شده و کسب شده و....

در عین حال بهترین روش برای اعتلای کیفیت، آموزش و پرورش از طریق شناسایی مسایل و چالشها و.... آنچه بیان شد به نوعی ماموریت دو زیر نظام مهم سند تحول یعنی زیر نظام برنامه درسی و زیر نظام پژوهش و ارزشیابی می باشد اما یک سوال کلیدی این است که پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش در تحقق حل مسایل و چالش ها آیا باید لزوما خود به انجام پژوهش ها مبادرت ورزد یا باید رویکرد خود را از انجام پژوهش به مدیریت پژوهش سوق دهد؟

تبیین رویکرد مدیریت پژوهش

در کنار پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش یکی از رسالت اصلی دانشکده های روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاهها و پژوهشگاههای متعدد علوم انسانی، علوم تربیتی، علوم شناختی و... انجام پژوهش در زمینه مسایل آموزش و پرورش است بویژه دانشجویان دکتری بطور طبیعی برای پایان نامه های خود به دنبال مسایل واقعی آموزش و پرورش می گردند. حال سوال کلیدی این است چه بخشی از آموزش و پرورش باید مسایل را از کانون اصلی آموزش و پرورش یعنی مدرسه، خانواده ها، نهادها و عوامل سهیم و موثر، نتایج پژوهش های جهانی و ملی و... شناسایی کند، اولویت بندی کند و در اختیار دانشگاهها قراردهد. مسله یابی

بخش اصلی کار پژوهشگاه است مسئله با مشکل فرق می کند. همه مسئله ها نیاز به پژوهش علمی ندارد. لذا یکی رسالت های پژوهشگاه مساله یابی و اولویت بندی آن خود یک علم است.. ظرفیت واحد های تحقیقات و گروه های آموزشی و... در استانها، می توانند در این کار نقش آفرین باشند. ایجاد سامانه هوشمند و بار گذاری این مسایل بگونه ای که همه دانشگاه ها و دانشجویان دکتری به آن دسترسی داشته باشند گام بعدی است. کار بعدی اشاعه نتایج پژوهش ها از طریق همایش ها و... و زمینه سازی جهت کار بست آنها در برنامه ها و از همه مهمتر توصیه های کاربری به مدارس و کارشناسان ستادی و... می باشد.

نتیجه گیری

نکات فوق موید آن است که پژوهشگاه باید رویکرد خود را از انجام پژوهش به مدیریت پژوهش سوق دهد. زمینه اتصال آموزش و پرورش با دانشگاه ها را برقرار نماید تا انجام پژوهش های خرد به آنها سپرده شود در عین برای انجام پژوهش های کلان مانند ارزشیابی از میزان تحقق شایستگی های دانش آموزان در پایان دوره های تحصیلی برنامه ریزی نماید. بهره گیری از موسسات مجوز دار و با صلاحیت در این مسیر باید مورد عنایت قرار گیرد و عملا نقش یک مرکز سنجش ملی (به مانند تیمزو پرلز) را عمل نماید و... برای تحقق چنین چر خشی نباید منتظر لزوما استقلال پژوهشگاه باشیم. بلکه تفکر راهبری زمینه ساز عملی شدن رویکرد فوق می باشد. من فکر می کنم اگر این جهت گیری در پژوهشگاه مورد عنایت قرار گیرد. زمینه دادن اختیارات و حمایت های مدیریتی از سوی ستاد فراهم باشد.